

«تصمیمات سخت» برای حفظ «هسته سخت ۹۰ میلیونی»

سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

«باید بدانند هسته‌سخت این نظام، ۹۰ میلیون نفر هستند که همه یکپارچه‌اند»: این جمله بخشی از سخنان محمدباقر قالیباف رئیس مجلس است که چندی پیش در گفت‌وگوی تلویزیونی مطرح کرده است. «هسته سخت ۹۰ میلیونی نظام» واژه قابل تأملی است که در اولین روزیاری، بسیاری را به یاد اصطلاح «هسته سخت قدرت» می‌اندازد. جمعیتی که معمولاً در تعاریف سیاسی تعدادشان چندان زیاد نیست و محدوده اندکی از جامعه را در بر می‌گیرند اما در جایگاه تکیه‌گاه حاکمیت به حساب می‌آیند که قرار است نظام را در بزنگاه‌های خاص از پیچ‌های خطرناک عبور دهد. جمعیتی که به گفته علی نصری، تحلیلگر موجب شده که در کنار «این جمع وفادار، میلیون‌ها ایرانی دیگر... که... دل در گرو این خاک دارند، مالیات می‌دهند، فرزند تربیت می‌کنند، کار می‌آفرینند، کتاب می‌خوانند، فیلم می‌سازند، موسیقی می‌نوازند و هر روز، ایران را - به‌نوعی دیگر - زندگی می‌کنند، نادیده گرفته شوند». حالا در پی جنگ ۱۲ روزه وقتی در همه روزها فاز آشفتنگی در خیابان‌های ایران به قصد تغییر حکومت به‌عنوان یکی از برنامه‌های اسرائیل در پی نابودی زیرساخت‌های کشور در مسیر کاهش مقاومت و پاس‌خگویی به حملات آن‌ها مطرح و از سوی سلطنت‌طلبان و برخی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور حمایت و سفیدشویی می‌شد؛ مردم با تدبیر و رفتار عاقلانه خود دفاع جانانه‌ای از وطن‌شان ایران داشتند؛ در این بین چه آنها که ناراضی از شرایط امروز کشور و چه آنها که به دلیل تفاوت نگاه و سلیقه با بی‌مهری بسیار از حکومت رویه‌رو شده و در حصر و زندان یا دور از وطن بودند؛ در کنار باقی مردم پای کار آمدند و مانع از تحقق این مخاطره و آسیب‌رسانی آن به تمامیت ارضی کشور و نابودی‌های بیشتر این حملات شدند. در پی این اتفاق بسیاری از دلسوزان کشور از شرایط پیش‌آمده به عنوان «فرصت طلایی» برای آشتی ملت و حکومت یاد کردند؛ شرایطی که قالیباف هم در سخنانش با نوعی ناباوری و تردیدها از تحققش در گذشته به آن اشاره کرده و گفت: «همه پای کار آمدند. همان چیزی که عنصر اصلی امتیاز راهبردی ما در مقابل دشمنان است، بیش از ۴۵۰ نفر در داخل و خارج نیز نامه‌ای برای دفاع از ایران امضا کرده و اسرائیل را محکوم کردند... اینها همه ظرفیت‌هایی بود که به وجود آمد... از ۲۰ سال پیش با دوستانی که اخیراً به شهادت رسیدند... صحبت می‌کردیم که اگر تجاویزی رخ دهد و سال ۵۹ تکرار شود، جوانان امروز مانند همان سال باز هم به میدان می‌آیند؟ در پاسخ به این سؤال تردید داشتیم.» در این روزهای پس از آتش‌پس شبیه این سخنان قالیباف را به انواع و انحاء گوناگون از سوی چهره‌های درون حاکمیت و مسئولان دیگر، از رئیس‌جمهور پزشکیان و محمدرضا عارف، معاون اول او تا سایرین نیز شنیده‌ایم که البته در لحن کلام بسیاری از آنها به نظر می‌آید که انتظار چنین رفتار منطقی و همراهی همه‌جانبه در این سطح از سوی مردم رنگین‌کمانی ایران را نداشتند. البته در این بین باید آمیولار بود که این مسئولان علت این عدم انتظارشان از چنین رخداد و معجزه‌وار بودن آن را بررسی و کنکاش کنند تا به اشتباهات‌شان و دلایل شکل‌گیری چنین تهدیدی در کشور که بی‌ارتباط با تصمیمات‌شان در قبال مردم جامعه در گذشته نبوده، واقف شوند و در گام بعدی به مسیری وارد شوند که در بزنگاه آتی که هیچ‌کدام از ما با تجربه اخیر از جنگ نمی‌دانیم «نزدیک است یا دور» این انتظار از همراهی مردم و حمایت‌شان از جمله انتظارات و توقعات منطقی و بدیهی به شمار آید. این مردمی که از ش سخن گفته می‌شود بخش قابل توجه و شاید حتی اکثریت کشور را تشکیل می‌دهند و سال‌هاست که از تصمیمات، رویکردها و برنامه‌ها، نحوه اثرگذاری‌ها و دخالت‌ها ناراضی‌اند، خود را نه در متن بلکه در حاشیه و فراموش‌شده مگر برای شواف و پروپاگاندای حضور ملت در رویدادهای مدنظر نهادهای مختلف حکومت می‌بینند؛ مردمی که حالا در شرایط خطیری که سخن از آن بود که فرصتی است برای آنکه زیر میز بزنند و صدای خود را البته احتمالاً به قیمت نابودی ایران بلند کنند؛ بهترین تصمیم را برای حفظ ایران با هم‌صدایی و یکپارچگی گرفتند. حالا که قالیباف از هسته سخت ۹۰ میلیونی سخن گفت و بسیاری از معجزه رفتار مردم در این وانفسا گفتند، خوب است به جای انتظار معجزه بعدی در رفتار مردم در پی حوادث مشابه، آقای رئیس‌مجلس به کلیدواژه سخنان گذشته‌اش در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ از تفسیر «حکمرانی نو» یعنی «تصمیمات سخت» بازگردد و تلاش کند در کنار سایر مسئولان با اتخاذ این نوع تصمیمات هسته‌سخت ۹۰ میلیونی حامی ایران را در همین جایگاه حامی کشور حفظ کند و با ایجاد رضایت و اعتماد در مردم، مسیر نابودی ایران را در چشم دشمنان آن به کوره‌راهی سنگلاخی و صعب‌العبور هر چه بیشتر، تبدیل کند.

عبور از خالص سازان

ارزیابی فعالان سیاسی از گفت‌وگوی اخیر محمدباقر قالیباف درباره «هسته سخت نود میلیونی»



فرهاد فخرآبادی، منصوره محمدی گروه سیاست

پنجشنبه شب بود که محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در گفت‌وگوی تلویزیونی به بیان ابعاد مختلف جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و ایران پرداخت. او در بخشی از این گفت‌وگو بر حضور و نقش آفرینی ۹۰ میلیون مردم ایران در جایگاه «هسته سخت نظام» پرداخت و از این گفت که در این جنگ مردم با نگاه‌ها و سلیقه‌های سیاسی و اجتماعی مختلف «پای کار آمدند» و نقشه اسرائیل را نقش بر آب کردند و سه‌گانه مدنظر آنها یعنی «۱) تغییر نظام سیاسی در ایران، ۲) هدف قراردادن پایه‌های قدرت ما (که یکی از آنها هسته‌ای است) و ۳) حوزه موشکی» بی‌نتیجه ماند. در پی این تأکید بر حضور حداکثری مردم و یکپارچگی و همبستگی که رئیس مجلس نیز همچون بسیاری از چهره‌های سیاسی و تحلیلگران بر آن اذعان داشت، روزنامه هم‌میهن گفت‌وگویی با سعید آجورلو، مدیرمسئول صبح نو و از فعالان سیاسی اصولگرا نزدیک به قالیباف، سعید شریعتی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت و محمد عطریانفر، معاون سیاسی حزب کارگزاران سازندگی داشته که در ادامه می‌آید.

پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، رئیس مجلس در مصاحبه‌ای گفته است که «آنها باید بدانند هسته سخت این نظام، ۹۰ میلیون نفر هستند که همه یکپارچه‌اند». تحلیل‌تان از این اظهار نظر چیست؟

سعید شریعتی: امیدوارم این اظهارات



نشان از تغییر نگرش و تغییر گفت‌مان برای آقای قالیباف و امثال ایشان باشد و یا حداقل آقای قالیباف به‌عنوان یکی از رؤسای قوا، به لوازم این بحث پایبند باشد. اینکه گفته شود که هسته سخت نظام ما ۹۰ میلیون نفر ایرانی است، معنی‌اش این است که تکیه‌گاه پایداری ایران، عنصر مقاومت ملت ایران است و این حرف کاملاً درست است. در این روزیاری مستقیمی که بین ایران و اسرائیل و آمریکا اتفاق افتاد و ما وارد جنگ تحمیلی و نابرابری شدیم، ما روی کاغذ و محاسبه نظامی، دست پایین را داشتیم، آنچه که باعث شد که ما از جنگ ۱۲ روزه سر بلند بپروان بیاییم، به‌زعم همه تحلیل‌گران از جمله آقای قالیباف، عنصر مقاومت ملی بود. وقتی صحبت از ملت و میهن می‌شود و رهبری در شب عاشورا، به مداح معروف امر می‌کند که از ایران بخوان، این در واقع وجه سلبی میهن را به نمایش می‌گذارد و در واقع نه به دشمن را متجلی می‌کند اما این کافی است. اگر بخواهد این عنصر میهن محقق شود، باید اتفاقات ایجابی دیگری رخ دهد و از بسیاری گفت‌مان‌ها و پارادایم‌های موجود در نظام حکمرانی، عبور شود تا مفهوم میهن محقق شود. جنبه‌های ایجابی هم ۵ مورد است: «۱- ما باید از اصالت ایده و ایدئولوژی عبور کنیم و به اصالت زندگی و جان ایرانی برسیم. ۲- باید از رویای امت به رویای ملت ورود کنیم. ۳- از عنصر ایمانی به عنصر ایرانی گذار کنیم. یعنی اینکه ایران برای همه ایرانیان باشد. ۴- از ملت بر پایه خون عبور کرده و به ملت بر پایه خاک برسیم. ۵- از حاکمیت با قانون عبور کرده و به حاکمیت قانون برسیم. یعنی از قانون استفاده ابزاری نکنیم، خود قانون حاکم باشد.» باید این عبور اتفاق بیفتد تا وجه ایجابی ملت متحقق شود.

در مقابلش هم یک جریان‌ی وجود داشت که به دنبال نوعی ناب‌سازی بود، قاعده جذب حداکثری را جدی نمی‌گرفت و به آن پایبند نبود و با ادبیات هسته سخت صحبت می‌کرد. در واقع می‌توان گفت، ادبیات هسته سخت، روی دیگر ایده فروپاشی اجتماعی بود. زیرا وقتی فرض شما این باشد که این فروپاشی اجتماعی اتفاق می‌افتد، در نهایت از هسته سختی صحبت می‌کنی که در آن لحظه نهایی و سرنوشت‌ساز، قرار است که از انقلاب، کشور و نظام دفاع کند که سرشیکه‌هایی هم مدعی این کار شده بودند در حالی که به نظر من، این جمع‌بندی بدنه اجتماعی نبود و بر ساختی بود که سرشیکه‌ها درست کرده بودند. ایده هسته سخت، در واقع مکمل ایده فروپاشی اجتماعی بود که دوقطبی مختص قبل از جنگ است اما بعد از جنگ، روندها، نمادها و واکنش‌ها نشان داد که همه‌ی مردم هست سخت کشور هستند. این اتفاق که افتاد، به این معنا بود که هم ایده فروپاشی اجتماعی و هم ایده هسته سخت قدرت شکست خورده و ما وارد دوران جدیدی شدیم که اگر مختصات این دوران جدید را نشناسیم، به آنها توجه نکنیم، آنها را جدی نگیریم و در گذشته بمانیم، از مردم عقب خواهیم ماند. در حالی که این اتفاقاتی که در دوره جنگ افتاد، واکنش جامعه خیلی واکنش پویا و قدرتمندی بود و نشان داد که ایران جامعه قوی دارد که نمی‌توان آن را دست کم گرفت و از آن به راحتی گذشت. بنابراین، جامعه‌شناسی سیاسی، در دوران جدید پس از جنگ، یک جامعه‌شناسی سیاسی جدید است. به‌نظر صحبت‌های آقای قالیباف، نشانه جدی گرفتن این تحولات دوران جدید و توجه کردن به این تحولات است که هسته سخت ۹۰ میلیونی، تبدیل به نمادی از به رسمیت شناخته شدن جامعه‌شناسی جدید به شمار می‌روند. از نظر سیاسی هم، این ادبیات، نزدیک به ادبیات عقلانیت انقلابی است که یک موقعی تحت عنوان نواصول‌گرایی مطرح شده بود که بخش اجتماعی را جدی می‌گیرد و از این جهت، قابل توجه است.



سعید آجورلو:
طبقه متوسط در ناآرامی‌های مختلف، نوع واکنشی که داشته مبتنی بر حفظ نظم و امنیت بوده است. ما باید توصیفی از طبقه متوسط به دست آوریم که این توصیف باید واقعی و روی زمین باشد و بتواند منافع و خواسته‌های آنها را توضیح دهد



ملت تواضع کردند و احساس‌شان این است که چه مردم شریفی هستند که به‌رغم آنکه از دست حکومت گلایه‌مند هستند و مطالبات آن‌ها نامین نشده است، در این بزنگاه سخت، از آنجایی که پای ایران در میان بوده، از اختلاف‌های خود فعلاً صرف‌نظر کردند و از یکپارچگی، تمامیت ارضی، استقلال و در کنار آن از حاکمیتی که دارد از تمامیت ارضی ما دفاع

محمد عطریانفر: در مقام واقعیت این اتفاق افتاده است. الان تمامی کسانی که در نهاد قدرت سیاسی و حاکمیت قرار دارند، پیام این حادثه سنگینی که رخ داد دریافت کردند و جامعه پشتیبان نیروهای مسلح و نظام حاکم سیاسی قرار گرفت، تمامی مسئولان در رده‌های مختلف در برابر این



می‌کند، شروع کردند به دفاع کردن. در ادبیات سیاسی ما معمولاً چنین ذکر می‌شود که حتی اگر یک حاکمیتی را قبول نداشته باشید، اگر این حاکمیت در مقام دفاع از استقلال کشور بر بیاید، بهتر است از این حاکمیت برای دفاع از تمامیت ارضی دفاع کرد تا کشور دچار تجزیه و فروپاشی نشود. مردم حتی بر این باورند که اگر این حکومت را قبول ندارند